

آموزش شهروندی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

الهام فرهادی^۱، محمد سالار کسرای^۲، مجید توسلی رکن‌آبادی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۳

چکیده:

در دنیای امروزی همانطور که شهروندی به عنوان یکی از ویژگی‌های نظام‌های دموکراتیک پذیرفته شده است، آموزش شهروندی برای پیشرفت جامعه و همچنین حفظ آن، ضروری می‌نماید. از سوی دیگر تنوع مفاهیم و موضوعات حول "شهروند" نشان می‌دهد که نه تنها پدیده‌ی شهروندی حائز اهمیت است بلکه این پدیده در حال تغییر است. بر همین اساس از آنجا که انسان از بدو تولد به طرق مختلف تحت آموزش است و «آموزش سنگ بنای ایجاد، حفظ و پیشرفت تمام جوامع بشری است» آموزش شهروندی برای دستیابی به اهداف مطرح شده در هر جامعه الزامی می‌نماید. هدف این تحقیق بررسی جایگاه آموزش شهروندی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش تحلیل محتوای کیفی است. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند و ابزار پژوهش کمی بوده است. با توجه به یافته‌های این تحقیق، الگوی آموزش شهروندی را می‌توان در مؤلفه‌ی دانش شهروندی، مهارت شهروندی و نگرش شهروندی و ۲۷ شاخص مجزا مطرح و ارائه نمود. نتایج نشان می‌دهد که بسیاری از شاخص‌های آموزش شهروندی در متن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش وجود دارد.

واژگان اصلی: آموزش شهروندی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، سیاستگذاری آموزشی، تحلیل محتوای کیفی.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی سیاست‌گذاری عمومی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. دانشیار جامعه‌شناسی، پژوهشکده مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) mohammadsalar.kasraie@gmail.com
۳. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

در دهه‌های اخیر با توجه به روابط و تعاملات پیچیده‌ی انسان‌ها، شهروندی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته‌است. امروزه چه در کلان سیستم اجتماع که دولت‌ها استراتژی‌هایی را تدوین می‌کنند و چه در نواحی، استان‌ها و شهرها و چه در خرده سیستم‌های خانواده که والدین، مؤلفین اهداف و استراتژی‌ها هستند، وجود افرادی با ویژگی‌هایی چون مسئولیت‌پذیری، انتقادگری، وطن‌پرستی و در یک کلام شهروندی مسئول از مؤلفه‌های حیاتی و با اهمیت می‌باشد (فتحی و واحد چوکده، ۱۳۹۸، ۳). در دهه‌های اخیر شاهد علاقه گسترده‌ای به آموزش شهروندی در جامعه غربی، به ویژه در انگلستان بوده‌ایم، از نظر رالف دارندورف^۱ در تاریخ مدرن هیچ ایده اجتماعی پویاتر از شهروندی وجود ندارد، چرا که برای قرن‌ها موتور حرکت گروه‌های اجتماعی بوده‌است (شیانی، ۱۳۸۴: ۱۰). او معتقد است که شهروندی را با مدرنیته پیوندی نزدیک است و نقش شهروندی را مجموعه‌ای از حقوق برابر برای کسانی که آن را دارا هستند، می‌داند. برابری و ماهیت حقوقی پایگاه و شهروندی دو چیز متفاوت است. براین اساس، دارندورف کار خود را بر تمایز بین دو نوع حقوق افراد بنا می‌نهد: حقوق اولیه یا اساسی که دربرگیرنده حقوق بشر، حقوق مدنی و پیامدهای دموکراتیک آن‌هاست و حقوق ثانویه که شامل حقوق اجتماعی است و به مردم تا آنجا اختیار می‌دهد که بتوانند از حقوق اساسی خود استفاده کنند (المعامری، ۲۰۰۹: ۵۵).

در بسیاری از پژوهش‌های بررسی شده، اهمیت موضوع شهروندی در نگاه مسئولان تعلیم و تربیت در کشورهای در حال توسعه و همچنین کشورهای توسعه‌یافته به وضوح دیده می‌شود. این تلاش‌ها در قالب تدوین برنامه‌های آموزشی برای تربیت شهروندانی متناسب با جوامع پیچیده‌ی امروزی است چنانکه در گزارش «انجمن بین‌المللی ارزشیابی و پیشرفت تحصیلی» به برخی از تحولات جهانی که در سال‌های اخیر موجب نگرانی کشورها شده‌است اشاره می‌شود. یکی از این نگرانی‌ها افزایش آگاهی از پیامدهای افزایش تنوع برای آموزش مدنی و شهروندی، با تأکید بر چگونگی توجه و پذیرش مدارس در جوامع با توجه به ویژگی‌هایی مانند قومیت، مذهب و جنسیت است (گزارش انجمن بین‌المللی ارزشیابی و پیشرفت تحصیلی، ۲۰۲۲: ۱۵).

^۱ Ralf Dahrendorf

بیان مسئله

سیاستگذاری آموزشی تعیین کننده جهت گیری نظام آموزشی و تحقق اهدافی است که در اسناد بالادستی از جمله قانون اساسی و قوانین بخشی آموزش و پرورش، در ارتباط و هماهنگی با مرجعیت کلی جامعه رسماً به عهده سازمان آموزش و پرورش گذارده شده است. بر همین اساس امروزه اکثر جامعه شناسان آموزش و پرورش معتقدند که یکی از رسالت های اصلی آموزش و پرورش در هر جامعه ای باید این باشد که هماهنگ با تحولات شتاب آمیز در عرصه های مختلف در بُعد بین المللی و جهانی، نسلی را تربیت کند که بتواند با اصول و قواعد زندگی مدنی آشنا شود و در زندگی روزمره این اصول را بکار گیرد. در این نقش، مدارس می توانند به پرورش دانش، مهارت و نگرشی که جوانان برای تبدیل شدن به افراد مسئول سیاسی و اجتماعی نیاز دارند، کمک کنند (هومانا^۱ و همکاران، ۲۰۰۶: ۳). در مطالعه ای که در ده کشور (انگلیس، کانادا، مجارستان، ژاپن، هلند، نیوزلند، ایرلند شمالی، جمهوری ایرلند، اسکاتلند و اسپانیا) انجام شد، پاسخ دهندگان طیف گسترده ای از مفاهیم را ارائه کردند که زیربنای آموزش شهروندی است. این عناصر را می توان به سه دسته ای اصلی تقسیم کرد: ۱- ارزش های اصلی (مانند حقوق بشر و مسئولیت اجتماعی) ۲- ارزش هایی با مبنای قانونی (شامل دموکراسی، قانون و آزادی) ۳- ارزش های انسانی (مانند مدارا و همدلی) (نلسون و کرر^۲، ۲۰۰۶: ۱۹). آموزش شهروندی رابطه مهمی با مشارکت فعال در جامعه گسترده تر دارد (هومانا و همکاران، ۲۰۰۶: ۷). در بسیاری از کشورها، ترویج شهروندی فعال با شکل مشارکتی بیشتری از شهروندی مرتبط است که شامل توسعه آموزش شهروندی به عنوان یک فرآیند فعال در طیف وسیعی از زمینه ها در داخل و خارج از مدارس است (نلسون و کرر، ۲۰۰۶: مقدمه). به این ترتیب، آموزش شهروندی به عنوان فرصت هایی تعریف می شود که مدارس برای مشارکت دادن دانش آموزان در تجارب یادگیری معنادار مانند نقش بازی ها، مناظره، بحث های کلاسی، شوراهای دانش آموزی، یادگیری خدمتاتی و سایر راهبردهای تدریس فعال برای تسهیل توسعه آن ها به عنوان افراد مسئول سیاسی و اجتماعی، تعریف می شود (هومانا و همکاران، ۲۰۰۶: ۳).

کشور ما ایران در سال های اخیر با مسائلی چون انقلاب، جنگ، تحریم های سیاسی و اقتصادی مواجه بوده است و قطعاً در این دوران آسیب های آموزشی و تربیتی بسیاری متحمل شده است، از

^۱ Homana

^۲ Nelson & Kerr

همین رو توجه ویژه به سیاستگذاری آموزشی در دوران اخیر ضروری می‌نماید. اسناد بالادستی در جمهوری اسلامی ایران مجموعه اسنادی هستند که جهت‌گیری کلی سیاست‌های کشور را تعیین می‌نمایند (کشور دوست، ۱۴۰۱: ۷۴). یکی از این اسناد، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که به عنوان اصلی‌ترین سند تضمین حقوق و آزادی‌ها با تعیین رابطه قانونمند و از پیش تعیین شده برای دولت و ملت بر آن است تا با رسمیت بخشیدن به حقوق مشارکت به عنوان حقوق شهروندی و تعیین حدود آن، وظایف دولت را برای پیوند با مردم و در اعمال قدرت معین سازد (خورشیدی آباد شاپوری و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۳۴). این اسناد برای جلوگیری از تغییر سیاست‌های کلان کشور در درازمدت تدوین شده و به عبارتی مادر سایر اسناد می‌باشند (کشور دوست، ۱۴۰۱: ۷۴). در حوزه سیاستگذاری آموزشی نیز قوانین، چشم‌انداز و اهداف مربوط به مسائل آموزشی در چارچوب قانون اساسی مورد بررسی قرار می‌گیرند. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش یکی از اسناد بالادستی در حوزه آموزش و پرورش است که در این پژوهش محقق سعی دارد به بررسی جایگاه آموزش شهروندی در این سند پرداخته و به این سؤال پاسخ دهد که ابعاد، شاخص‌ها و مؤلفه‌های آموزش شهروندی چیست؟ و این مؤلفه‌ها در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که از مهم‌ترین اسناد سیاستگذاری آموزشی ایران است چه جایگاهی دارند؟ تحقیقات بسیاری تا به امروز در رابطه با اهمیت سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و همچنین مؤلفه‌های آموزش شهروندی انجام شده است که به مرور تعدادی از این تحقیقات در جدول زیر پرداخته می‌شود.

اروتتن، دیناروند و رحمانی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «مبانی ارزش‌شناسی تربیت شهروندی در آموزش و پرورش ایران» به بررسی مبانی ارزش‌شناسی تربیت شهروندی در آموزش و پرورش ایران پرداخته‌اند و نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که در تربیت شهروندی اسلامی-ایرانی، ارزش‌های اسلامی به تربیت شهروندی سمت و سوی الهی می‌بخشند.

کوروش فتحی و اجارگاه و سکینه واحد چوکده (۱۳۹۸) در کتاب «آموزش شهروندی در مدارس» به شهروندی و مؤلفه‌های آن و نقش آموزش شهروندی در برنامه‌های رسمی و غیررسمی مدارس، شناسایی آسیب‌های آموزش شهروندی در مدارس، ارئه راهکار پرداخته‌اند.

کشاروز، امین بیدختی و محمدی‌فر (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های شهروندی جهانی در آموزش و پرورش ایران» این هدف را دنبال کرده‌است که میزان توجه به ویژگی‌های شهروندی جهانی در اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش ایران چگونه است؟

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که به شهروند جهانی آن‌طور که باید و شاید توجه نشده و ضروری است سیاستگذاران نظام آموزشی، توجه بیشتری به این مقوله داشته باشند.

سپیدنامه، فراستخواه و رحمانی (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «گفتمان علم و دین در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» به بررسی این سؤال پرداخته‌اند که موضع گفتمان سند تحول بنیادین در مواجهه با علم و دین چیست؟ در این مطالعه از روش تحلیل گفتمان استفاده شده است و نتیجه تحقیق این است که سند تحول بنیادین در معرفی آرمان‌ها، اهداف، برنامه‌ها و راهکارهای ترویج علم بر خلاف زبان علم از واژگان نشان‌دار و استعاره‌های ارزشی استفاده نموده است و این امر سبب شده تا گفتمان علمی به گفتمان دینی مبدل شود.

احمدی و کشاورز دیزجینی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه آموزش شهروندی و حقوق شهروندی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی» به میزان اهمیت مؤلفه‌های تربیت شهروندی دانشی، نگرشی و مهارتی در کتابهای مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی پرداخته‌اند که نشان می‌دهد مهارت شهروندی بیشتر از نگرش شهروندی و دانش شهروندی است.

قیصی‌زاده (۱۳۹۶) در مقاله‌ای «آموزش شهروندی و ضرورت تربیت شهروندی» به این نتیجه می‌رسد که آموزش شهروندی و تربیت شهروندان در یک جامعه باعث این می‌شود که سه عنصر اصلی شهروندی چون «نظام حقوقی»، «حس عضویت ملی» و «حس تعلق و وابستگی اجتماعی» در وضعیت ارتباطات بین فرهنگی هر جامعه‌ای اثرگذار باشد.

شیخ‌زاده تکابی، حیدری موصولو و بهرامی (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «چالش‌های برنامه درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی در تربیت شهروندی-اجتماعی» به بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های شهروندی یعنی دانش، عواطف و مهارت‌های شهروندی در سند تحول بنیادین پرداخته و نتایج تحقیق عبارت است از نیاز به بازنگری در سند تحول بنیادین در راستای توجه بیشتر به مؤلفه‌ها و شاخص‌های کمتر مورد توجه در این حوزه.

فزونی شیره‌جینی (۱۳۹۳) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «چالش‌های برنامه‌ی درسی مطالعات اجتماعی دوره‌ی ابتدایی در تربیت شهروندی-اجتماعی» به شناسایی چالش‌های برنامه‌ی درسی مطالعات اجتماعی دوره‌ی ابتدایی در تربیت شهروندی-اجتماعی می‌پردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در عنصر «هدف‌ها» از دیدگاه معلمان، مقوله‌ی ناتوانی هدف‌های تربیت شهروندی در برقراری ارتباط موثر بین مدرسه و مؤسسات بیرون از مدرسه بالاترین اولویت را در

بین چالش‌های مطرح شده به خود اختصاص داده‌است.

جمالی تازه‌کند، طالب‌زاده نوبریان و ابوالقاسمی (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «تحلیل جایگاه مؤلفه‌های تربیت شهروندی در محتوای برنامه درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه» به بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های تربیت شهروندی یعنی دانش، مهارت و نگرش‌های شهروندی در کتاب-های علوم اجتماعی دوره متوسطه با استفاده از روش تحلیل محتوای آنتروپی شانون پرداخته‌است. نتایج حاصل از تحقیق بیانگر آن است که به مؤلفه‌های مورد تحقیق به یک اندازه و متوازن پرداخته نشده‌است و بازنگری برنامه درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه در راستای توجه بیشتر به مؤلفه‌ها و شاخص‌های کمتر مورد توجه، ضروری به شمار می‌آید.

در این تحقیقات به مبانی آموزش شهروندی از منظر جامعه‌ی دینی ایران پرداخته شده ولی هیچ موضوع یا پژوهشی تا کنون به بررسی مؤلفه‌های آموزش شهروندی از دیدگاه صاحب‌نظران غربی و با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی نپرداخته‌است. مزیت این پژوهش استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی است که نشان می‌دهد اگر چه برخی از مؤلفه‌های آموزش شهروندی مورد نظر در مبانی نظری به طور مشخص در سند تحول بنیادین به چشم نمی‌خورد اما مضامین مرتبط با بسیاری از مؤلفه‌ها در متن سند تحول بنیادین وجود دارد.

مفاهیم تحقیق

آموزش شهروندی: منظور از آموزش شهروندی در حوزه جامعه‌شناسی عبارت است از فرایند انتقال دانش‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های لازم برای مشارکت و ثبات سیاسی جامعه از یک نسل به نسل دیگر. این انتقال شامل موارد مختلفی نظیر: آگاهی از تاریخ و ساختار نهادهای سیاسی، احساس وفاداری به ملت، نگرش مثبت به اقتدار سیاسی، باور به ارزش‌های بنیادی (مانند حاکمیت قانون و تساهل و تسامح)، علاقه به مشارکت سیاسی و کسب مهارت‌های لازم برای فهم سیاست‌های عمومی و نظارت بر آنها می‌شود (شارع‌پور، ۱۳۸۷: ۳۱۳). همچنین آموزش شهروندی عبارت از رشد و پرورش دادن ظرفیت‌های افراد و گروه‌ها برای مشارکت و تصمیم‌گیری و عمل آگاهانه و مسئولانه در زندگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی است. این آموزش‌ها شامل حقوق انسانی، اخلاق و ارزش‌ها، صلح و مسالمت‌جویی، برابری اجتماعی و حرمت نهادن به تفاوت‌هاست (سید، ۲۰۰۶: ۳۳).

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش: نقشه راه، مسیر حرکت و چشم انداز آموزش و پرورش است که توسط صاحب نظران با مشارکت متخصصان عرصه تعلیم و تربیت در ۸ فصل تدوین و تنظیم و طی ۱۵ جلسه در شورای عالی انقلاب فرهنگی از بهمن ۱۳۸۹ الی مهر ۱۳۹۰ در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب نهایی رسید شده است. در مقدمه‌ی سند تحول بنیادین، به این نکته اشاره شده است که «عرصه‌ی تعلیم و تربیت یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های تعالی همه جانبه‌ی کشور و ابزاری جدی در راستای ارتقای سرمایه‌ی انسانی شایسته‌ی کشور در زمینه‌های گوناگون است و از این رو، تحقق آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی ایران همچون احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در بین ملت‌ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسان‌های عالم، متقی و آزاده و خلاق است و این تعلیم و تربیت باید بتواند "حیات طیبه"، "جامعه‌ی عدل جهانی" و "تمدن اسلامی- ایرانی" را تحقق بخشید (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

سیاستگذاری آموزشی: آنچه در سیاستگذاری آموزشی از آن سخن می‌رود عبارت است از مشخص کردن خط مشی کلی و یا یک سری اصول و کنش‌های مرتبط به امور آموزشی- اعم از رسمی یا غیر رسمی آموزش- که بر اساس اهداف مطلوب و مورد نظر سیاست‌گذاران دنبال شده یا بایستی پیگیری شود و یا حداقل مورد انتظار می‌باشد. این اصول و سیاست‌ها مقدمه‌ای است برای فعالیت برنامه‌ریزان آموزشی که در تمام سطوح آموزشی اعم از ابتدایی، متوسطه، تربیت معلم، آموزش عالی، آموزش غیر رسمی و حتی کارآموزی‌ها آن را چراغ راهنما برای خود قرار می‌دهند (نیاز آذری و دیگران، ۱۳۹۰).

چارچوب نظری

تربیت شهروندی از جمله موضوعاتی است که از قرن‌ها قبل مورد توجه بوده است. شاید بتوان گفت افلاطون از جمله اولین کسانی است که این موضوع را مورد توجه قرار داد. در کتاب قوانین نیز که سخن بر سر قانون‌های بنیادی جامعه است، این نکته روشن می‌شود که هم برای شناختن و بر پاکردن قوانین درست و هم برای پاسداری از آن‌ها باید به تربیت رو کرد (نقیب‌زاده، ۱۳۹۷: ۴۴). ارسطو نیز به تربیت شهروندان و تربیت شهروندی اشاره‌هایی داشته است. او آموزش و پرورش کودکان را از جمله وظایف دولت برشمرده و غفلت از آن را از زیان‌های اساسی برای

حکومت‌ها ذکر کرده‌است. همچنین او در کتاب «سیاست» به این تشخیص می‌رسد که رابطه متقابلی بین انسان خوب و شهروند خوب وجود دارد (قلناش، ۱۳۹۱: ۴۹).

اندیشمندان تربیتی و اجتماعی دیگری مانند روسو، لاک، کانت و جان دیویی به موضوع تربیت شهروندی اشاره داشتند. از نظر روسو تربیت، آماده شدن برای زندگی است ولی نکته‌ی بنیادی این است که خود دوره‌ی تربیت نیز دوره‌ای از زندگانی است و هر دوره از زندگانی اهمیتی ویژه دارد (نقیب‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۳۳). لاک، وظیفه تربیت را بار آوردن افراد متناسب با فلسفه و اوضاع اجتماعی معرفی کرد (قلناش، ۱۳۹۱: ۴۹). کانت بررسی جریان تربیت انسان را از فروترین مرتبه‌ی آن یعنی انضباط آغاز کرده، به ترتیب به معنای برخورداری از فرهنگ و تمدن، و سرانجام به تربیت اخلاقی می‌رسد (نقیب‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۴۰) او از چهار مرتبه‌ی پرورش، تأدیب، آموزش و تربیت اخلاقی سخن گفته‌است (بهشتی و نیکویی، ۱۳۸۸: ۲۹). از نظر دیویی جامعه از طریق هدایت فعالیت‌های جوانان و تعیین آینده‌ی آن‌ها، آینده‌ی خود را مشخص می‌سازد، این نوع فعالیت‌های هدایت شده که در حال گسترش هستند و در هر مرحله هدفی را دنبال می‌کنند، از نظر او به عنوان رشد تلقی می‌شوند (نقیب‌زاده، ۱۳۹۷: ۹۳).

آنچه به طور گسترده «آموزش شهروندی» نامیده می‌شود، اولین بار به طور رسمی در برنامه‌های درسی انگلستان و ولز پس از معرفی قانون اصلاح آموزش و پرورش در سال ۱۹۸۸ و اجرای برنامه درسی ملی ظاهر شد (لس‌بل و استیونسون^۱، ترجمه حمیدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۸). بر همین اساس کشورهای مختلف جهان تلاش دارند در نظام‌های آموزشی خود، آموزش‌های شهروندی را با رویکردهای متفاوت و البته هماهنگ با جامعه جهانی، لحاظ کنند. بدیهی است این آموزش‌ها زمانی می‌توانند اثربخشی لازم را داشته باشند که گروه‌های هدف در آستانه‌ی جامعه‌پذیری بوده و آمادگی لازم برای این آموزش‌ها و پذیرش آن‌ها را داشته باشند.

به همین منظور فعالیت‌های بین‌المللی گسترده‌ای برای ارثه‌ی مدل مفهومی آموزش شهروندی صورت گرفته‌است. اولین فعالیت در این زمینه، گردهم‌آیی هیأتی بین‌المللی از دانشمندان در مرکز آموزش چندفرهنگی دانشگاه واشنگتن در سال ۲۰۰۳-۲۰۰۴ بود که تحقیقی بین‌المللی راجع به آموزش جهت شهروندی و مردم‌سالاری در مدارس طراحی نمودند (شاه‌طلبی و قپانچی، ۱۳۹۲:

^۱ Bell & Stevenson

۱۳۲). فعالیت دیگری که در این زمینه انجام شد، سمینار آموزش شهروندی بود که توسط اداره برنامه درسی و ارزشیابی انگلستان در لندن ۲۰۲۰ برگزار شد. در این سمینار که با هدف جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مطالعات تطبیقی انجام شده آموزش شهروندی برگزار شده بود، پیشنهاد ایجاد پیوستار شهروندی و آموزش شهروندی ارائه گردید که در آن صاحب‌نظران برجسته و تحلیل‌گران استدلال نمودند آموزش شهروندی مفهومی گردد و این مفهوم در طول پیوستاری که از حداقل تا حداکثر معنا را می‌رساند، قرار گیرد تا بتواند قابل بحث و گفتگو باشد. سومین فعالیت در این راستا از سوی تیم تحقیقات انجمن بین‌المللی برای ارزیابی پیشرفت تحصیلی^۱ با طراحی و انتخاب مدلی مفهومی (مدل هشت ضلعی آموزش شهروندی) صورت گرفت که بیانگر نقطه نظرهای نقش‌آفرینان اصلی و دانشمندانی بود که آن را مناسب آموزش شهروندی در جامعه مردم‌سالار می‌دیدند.

در کشورهای دیگر نیز تلاش‌هایی در این خصوص صورت گرفته‌است. به عنوان مثال سال ۱۹۸۹ در سند اهداف ملی استرالیا برای آموزش، تعریف زیر از تعلیم و تربیت شهروندی مطرح شده‌است: «تعلیم و تربیت شهروندی عبارتست از توسعه‌ی دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌هایی که دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا به عنوان شهروندان فعال و آگاه در جامعه‌ی دموکراتیک در یک شرایط بین‌المللی مشارکت جویند» (فتحی و اجارگاه، واحدچوکده، ۱۳۹۸: ۱۱۹). به عبارتی ضرورت و اهمیت تربیت شهروندی و تعیین اصول برای آموزش شهروندی ریشه در ماهیت دموکراسی دارد (نیازی، رازقی مله، ۱۳۹۸: ۲۱۷). یونسکو آموزش فرهنگ شهروندی را، آموزش کودکان و نوجوانان از ابتدای کودکی با هدف روشن کردن و آشنایی آنان برای مشارکت در تصمیم‌های مرتبط با جامعه معرفی نموده است. در این راستا یونسکو با ضروری دانستن توجه به تفاوت‌های فرهنگی، با طرح نظریه فرهنگ دموکراتیک سعی در مشارکت همه افراد جامعه در مقوله آموزش فرهنگ شهروندی دارد (یونسکو، ۲۰۱۰). به این ترتیب رفتارهای شهروندی یک فعالیت توزیع شده و قابل یادگیری است که از طریق آموزش به شهروندان می‌توان آن را در جامعه نهادینه کرد. در کشورهای توسعه یافته مفاهیم شهروندی از دوران کودکی تا نوجوانی آموزش داده می‌شود و دولت نیز آموزش‌های لازم را در اختیار والدین و معلمان قرار می‌دهد. امروزه شکوفایی زمینه‌های شهروندی آنچنان عرصه‌های مختلف زندگی افراد را مورد تغییر قرار داده که جامعه-

¹ International Association for the Evaluation of Education Achievement (IEA)

شناس و رئیس جمهور پیشین برزیل، فرناندو هنریک کاردوسو^۱ (۲۰۰۰) از آن تحت عنوان «عصر شهروندی» یاد می‌کند (کیویستو و فیست ۱۳۹۸، ۱۳).

آموزش شهروندی در واقع ارائه اطلاعات و آگاهی در مورد مسائل عمومی جامعه است که فرد را برای کسب فرهنگ شهروندی جامعه محل زندگی خود در ابعاد محلی، ملی و جهانی آماده می‌کند. چنین آموزه‌هایی واجد فضایل و اخلاق مدنی و جمعی است و از مهارت‌های لازم برای مشارکت در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و دینی برخوردار است.

درک هیتز^۲ مؤلفه‌های دانش تاریخی و سیاسی در سطح محلی، ملی و جهانی، وفاداری به ملت، نگرش‌های مثبت نسبت به دولت سیاسی و مقامات مربوط به آن، اعتقادات و ارزش‌های مهم اجتماعی، سیاسی، اطاعت از قانون و هنجارهای اجتماعی، احساس فایده‌مندی به لحاظ سیاسی و علاقه نسبت به امور سیاسی و مهارت پیدا کردن در آن را در تبیین آموزش شهروندی برمی‌شمرد (فتحی و اجارگاه، واحدچوکده، ۱۳۹۸: ۱۲۰). به نظر هیتز واژه شهروند به کسی اطلاق می‌شود که نسبت به دانش مربوط با امور عمومی آگاهی داشته باشد، نگرش‌های مبتنی بر فضیلت مدنی را تدریجاً برای خود درونی کرده باشد و به مهارت‌های مشارکت در جامعه مجهز شده باشد. به نظر هیتز، آگاهی‌های لازم برای شهروندان جوان در سه مقوله حقایق بنیادین، فهم تفسیری و نقش شخصی می‌گنجد (ربانی خوراسگانی و کیان‌پور، ۱۳۹۲: ۲۶).

کوایگلی^۳، آموزش شهروندی را توسعه دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های شهروندی در فراگیران می‌داند. دانش شهروندی یعنی عقاید و اطلاعات اساسی که یادگیرندگان به منظور اینکه شهروند مسئول و مؤثر یک دموکراسی باشند باید بدانند و به کار گیرند. مهارت شهروندی یعنی مهارت‌های عقلانی برای فهمیدن، مقایسه کردن و ارزیابی کردن. یعنی مهارت‌هایی که با آن شهروندان بتوانند اصول و عملکردهای دولت و شهروندی را درک، مقایسه و ارزیابی کنند. علاوه بر این موارد شامل مهارت مشارکت شهروندان نیز هست که شهروندان را قادر می‌سازد تا خط مشی دولت را تحت نظارت و تأثیر قرار دهند. در این ارتباط، نگرش شهروندی، عبارت از ویژگی‌های شخصیتی، خلق و خوها و تعهدات مورد نیاز مانند احترام به ارزش افراد، صداقت، تحمل و شکیبایی، همدردی، وطن‌پرستی، تعهد نسبت به حقوق بشر، نفع عمومی، برابری و

¹ Henrique Cardoso

² Heater

³ Quigley

رعایت قانون (فتحی و اجارگاه، واحدچوکده، ۱۳۹۸: ۱۲۰).

از دیدگاه تورنی، آموزش شهروندی فرایند انتقال دانش‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های لازم برای مشارکت و ثبات سیاسی جامعه از یک نسل به نسل دیگر است. این انتقال موارد مختلفی نظیر آگاهی از تاریخ و ساختار نهادهای سیاسی، احساس وفاداری به ملت، نگرش مثبت نسبت به اقتدار سیاسی، باور به ارزش‌های بنیادی مانند حاکمیت قانون و تساهل و تسامح، علاقه به مشارکت سیاسی و کسب مهارت‌های لازم برای فهم سیاست‌های عمومی و نظارت بر آنها را شامل می‌شود (شارع پور، ۱۳۸۹: ۳۱۷).

از نظر هادسون فلسفه‌ی آموزش شهروندی دستیابی به مقاصد و وفاداری به ملت، افزایش دانش و آگاهی افراد از تاریخ و ساختار مؤسسات سیاسی، ایجاد انگیزش مثبت نسبت به قدرت و اقتدار سیاسی، تسلیم شدن در مقابل قانون و هنجارهای اجتماعی، اعتقاد به ارزش‌های بنیادین جامعه نظیر تساوی و برابری، علاقه به مشارکت سیاسی و مهارت در تجزیه و تحلیل ارتباطات سیاسی است (فتحی و اجارگاه، واحدچوکده، ۱۳۹۸: ۱۲۱).

دایره‌ی المعارف انگلیسی فلسفه‌ی تعلیم و تربیت در تعریف آموزش شهروندی می‌نویسد: «آموزش شهروندی به آموزش‌هایی گفته می‌شود که به توسعه شهروندی یا توانمندی‌های شهری مربوط می‌شود و اهداف آن الزاماً در ارتباط با انتظارات اعضای جوامع و ملت‌های خاص فهمیده می‌شود زیرا آن‌ها دانش و طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها و مهارت‌های همراه با مشارکت در زندگی جمعی یا مدنی را انتقال می‌دهند» (چامبلیس^۱، ۱۹۹۶؛ به نقل از برخوردار و جمشیدیان، ۱۳۸۷: ۲۹ و ۳۰). تعریف دیگری که در دایره‌ی المعارف انگلیسی فلسفه‌ی تعلیم و تربیت آمده است این است که «آموزش شهروندی برای تلقین ارزش‌های مدنی^۲ به مقرراتی نیاز دارد که این مقررات از طریق تعلیم و تربیت رسمی وضع می‌شوند».

¹ Chambliss

² Civic values

مدل مفهومی

در این تحقیق با استفاده از نظرات اندیشمندان مدل ارائه شده از سوی درک هیتر مدنظر است که به بسط آن و ارائه مدل مفهومی اقدام شده‌است. دستگاه نظری مورد بررسی در این تحقیق شامل مؤلفه‌های دانش شهروندی، مهارت شهروندی و نگرش شهروندی است که هر یک از آنان شاخص‌هایی دارند و البته این شاخص‌ها از یکدیگر منفک نیستند و برخی از آنان در زیر گروه شاخص دیگر هم مورد بررسی است اما بعد از بررسی نزدیکترین مفهوم، در زمینه‌ی یکی از مؤلفه‌ها آورده شده‌است. در جدول شماره ۱ می‌توان مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی که در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرند را مشاهده کرد.

جدول شماره ۱: مؤلفه‌ها و شاخص‌های آموزش نظری مورد بررسی در این تحقیق

ردیف	دانش شهروندی	مهارت شهروندی	نگرش شهروندی
۱	قوانین و مقررات (قانون اساسی، قوانین اجتماعی...)	توانایی انتخاب و تصمیم‌گیری	پذیرش تنوع و نکتز
۲	عوامل مخل و آسیب‌رسان محیط زیست	حل مسئله	حس وطن پرستی
۳	اهمیت رسانه‌ها در جامعه	استفاده درست از امکانات شهری	قدرشناسی از میراث فرهنگی کشور
۴	دانش مربوط به نظام انتخاباتی کشور	مسئولیت‌پذیری	روحیه عدالت خواهی
۵	وظایف دولت و مجلس	مهارت مربوط به برقراری ارتباط	احترام به حقوق دیگران
۶	وابستگی متقابل جهانی و مسائل و چالش‌های آن	خودآگاهی	انتقادگری و انتقادپذیری
۷	اشکال مختلف حکومت	ارزیابی نقادانه مسائل	تعاون و همکاری
۸	حقوق و وظایف شهروندی	رعایت بهداشت فردی و عمومی	علاقه به صلح و پیشرفت جهانی
۹	نقش و اهمیت خانواده	توانایی گفتگو	
۱۰	نقش سازمان ملل و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی	مهارت مربوط به هم‌دلی	

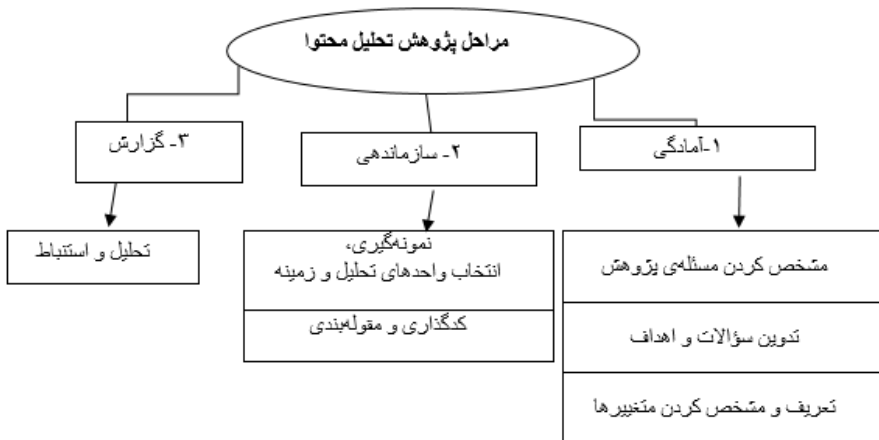
منبع: جمالی تازه‌کند و همکاران، ۱۳۹۲

با توجه به اینکه این تحقیق به شناسایی ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های آموزش شهروندی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش پرداخته است، قصد تبیین و بحث پیرامون شاخص‌های

مطروحه در ابعاد مختلف را ندارد، بلکه به بازنمایی نگرش صاحب‌نظران سیاسی در حوزه آموزش شهروندی می‌پردازد. از این رو در بررسی شاخص‌ها در ابعاد مختلف، محقق صرفاً به ارائه آراء و دیدگاه صاحب‌نظران و متفکران این حوزه اکتفا می‌نماید و از پیشداوری، حمایت یا قضاوت پرهیز می‌نماید.

روش تحقیق

برای تحلیل داده‌های به دست آمده، از روش تحلیل محتوا استفاده می‌شود. این روش همچون هر روش پژوهشی دیگری از گام‌هایی بهره می‌گیرد. سه مرحله اصلی در فرایند انجام تحلیل محتوا عبارتند از: آماده شدن برای تحلیل، سازماندهی و در نهایت گزارش نتایج به دست آمده. در مرحله‌ی آماده‌سازی به مسئله‌ی پژوهش، سؤالات پژوهش و متغیرها پرداخته شده‌است. در مرحله‌ی سازماندهی واحدهای تحلیل انتخاب و کدگذاری شده‌اند و در مرحله‌ی گزارش به تحلیل و استنباط نتایج بدست آمده پرداخته شده‌است. در ادامه به تشریح هر گام پرداخته خواهد شد.



یافته‌های پژوهش

بعد از جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر، برای تحلیل داده‌ها و برای سنجش مؤلفه‌های آموزش شهروندی، بعد از کدگذاری شاخص‌ها، به بررسی فراوانی حضور این شاخص‌ها در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش پرداخته شده‌است. براساس نتایج آمار توصیفی در میان شاخص‌های دانش شهروندی بیشترین فراوانی متعلق به شاخص نقش و اهمیت خانواده است که با ۱۷ مورد فراوانی جایگاه بالایی در سند تحول بنیادین به خود اختصاص داده‌است و شاخص‌های دانش مربوط به نظام انتخاباتی کشور، آشنایی با اشکال مختلف حکومت، حقوق و وظایف شهروندی، نقش سازمان ملل و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در متن سند یافت نشدند.

همچنین برای مؤلفه‌ی مهارت شهروندی، شاخص مسئولیت‌پذیری و خودآگاهی با ۱۴ مورد فراوانی در بالاترین جایگاه شاخص‌های مهارت شهروندی بودند و مضمونی مبنی بر شاخص مهارت همدلی در متن سند یافت نشد. از سوی دیگر در خصوص مؤلفه‌ی نگرش شهروندی بعد از بررسی متن سند تحول بنیادین تعداد ۱۲ مورد فراوانی برای شاخص علاقه به صلح و پیشرفت جهانی یافت شد و شاخص قدرشناسی از میراث فرهنگی کشور در متن سند تحول یافت نشد.

در مجموع بعد از بررسی سه مؤلفه‌ها و ۲۷ شاخص آموزش شهروندی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مشخص شد که مؤلفه‌ی دانش شهروندی با تعداد ۶۰ مورد فراوانی بیشتر از دو مؤلفه‌ی دیگر یعنی مهارت شهروندی و نگرش شهروندی مورد توجه قرار گرفته‌است. و در میان ۱۴۴ مورد فراوانی متعلق به شاخص‌های آموزش شهروندی، شاخص نقش و اهمیت

خانواده با ۱۷ مورد فراوانی در میان ۲۷ شاخص، جایگاه اول را به خود اختصاص داده و مضمونی برای شاخص‌های دانش مربوط به نظام انتخاباتی کشور، آشنایی با اشکال مختلف حکومت، حقوق و وظایف شهروندی، نقش سازمان ملل و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، مهارت مربوط به همدلی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش یافت نشد.

در بین سه مؤلفه‌ی ذکر شده برای آموزش شهروندی مؤلفه‌ی دانش شهروندی با ۶۰ مورد فراوانی، مؤلفه‌ی مهارت شهروندی با ۴۴ مورد فراوانی و مؤلفه‌ی نگرش شهروندی با ۴۰ مورد فراوانی به ترتیب در سند تحول بنیادین جایگاه دارند. همچنین فراوانی ۲۷ شاخص عنوان شده برای این سه مؤلفه به ترتیب زیر است:

شاخص نقش و اهمیت خانواده ۱۷ مورد فراوانی، قوانین و مقررات ۱۴ مورد فراوانی، مسئولیت‌پذیری ۱۴ مورد فراوانی، خودآگاهی ۱۴ مورد فراوانی، اهمیت رسانه‌ها در جامعه ۱۲ مورد فراوانی، علاقه به صلح و پیشرفت جهانی ۱۲ مورد فراوانی، وابستگی متقابل جهانی و مسائل و چالش‌های آن ۱۱ مورد فراوانی، روحیه عدالت خواهی ۹ مورد فراوانی، پذیرش تنوع و تکرار ۸ مورد فراوانی، مهارت مربوط به برقراری ارتباط ۵ مورد فراوانی، وظایف دولت و مجلس ۴ مورد فراوانی، توانایی انتخاب و تصمیم‌گیری ۴ مورد فراوانی، ارزیابی نقادانه مسائل ۳ مورد فراوانی، احترام به حقوق دیگران ۳ مورد فراوانی، انتقادگری و انتقادپذیری ۳ مورد فراوانی، عوامل مخل و آسیب رسان محیط زیست ۲ مورد فراوانی، رعایت بهداشت عمومی و فردی ۲ مورد فراوانی، حس وطن پرستی ۲ مورد فراوانی، تعاون و همکاری ۲ مورد فراوانی، حل مسئله ۱ مورد فراوانی، استفاده درست از امکانات شهری ۱ مورد فراوانی، قدرشناسی از میراث فرهنگی کشور ۱ مورد فراوانی، دانش مربوط به نظام انتخاباتی کشور ۰ مورد فراوانی، آشنایی با اشکال مختلف حکومت ۰ مورد فراوانی، حقوق و وظایف شهروندی ۰ مورد فراوانی، نقش سازمان ملل و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ۰ مورد فراوانی، مهارت مربوط به همدلی ۰ مورد فراوانی.

در جدول شماره ۳ تعداد فراوانی متعلق به شاخص‌های سه مؤلفه‌ی دانش شهروندی، مهارت شهروندی و نگرش شهروندی در یک کل بهم پیوسته قابل مشاهده است.

جدول شماره ۳: فراوانی مؤلفه‌های آموزش شهروندی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران

مؤلفه‌ی دانش شهروندی		مؤلفه‌ی مهارت شهروندی		مؤلفه‌ی نگرش شهروندی	
ردیف	شاخص‌ها	فراوانی	شاخص‌ها	فراوانی	شاخص‌ها
۱	قوانین و مقررات	۱۴	توانایی انتخاب و تصمیم‌گیری	۴	پذیرش تنوع و تکرار
۲	عوامل مخل و آسیب‌رسان محیط زیست	۲	حل مسئله	۱	حس وطن پرستی
۳	اهمیت رسانه‌ها در جامعه	۱۲	استفاده درست از امکانات شهری	۱	قدرشناسی از میراث فرهنگی کشور
۴	دانش مربوط به نظام انتخاباتی کشور	۰	مسئولیت پذیری	۱۴	روحیه عدالت خواهی
۵	وظایف دولت و مجلس	۴	مهارت مربوط به برقراری ارتباط	۵	احترام به حقوق دیگران
۶	وابستگی متقابل جهانی و مسائل و چالش‌های آن	۱۱	خودآگاهی	۱۴	انتقادیگری و انتقاد پذیری
۷	اشکال مختلف حکومت	۰	ارزیابی نقادانه مسائل	۳	تعاون و همکاری
۸	حقوق و وظایف شهروندی	۰	رعایت بهداشت فردی و عمومی	۲	علاقه به صلح و پیشرفت جهانی
۹	نقش و اهمیت خانواده	۱۷	مهارت مربوط به همدلی	۰	
۱۰	نقش سازمان ملل و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی	۰			
تعداد فراوانی کل		۶۰		۴۴	

بعد از بررسی شاخص‌های هر سه مؤلفه‌ی آموزش شهروندی می‌توان ۴ مشاهده کرد که مؤلفه‌ی دانش شهروندی با ۶۰ مورد فراوانی بیشترین فراوانی را در متن سند تحول دارد و بعد از آن مهارت شهروندی با ۴۴ مورد فراوانی و سپس نگرش شهروندی با ۴۰ مورد فراوانی در رده‌ی دوم و سوم قرار دارند.

نتیجه گیری

در سال‌های اخیر حوزه‌ی آموزش در اکثر کشورها دستخوش تحولات شگرفی شده‌است چرا که شتاب فزاینده‌ای در زندگی انسان‌ها رخ داده‌است و همگام با پیشرفت تکنولوژی، گسترش ارتباطات و بروز رشته‌ها و حرفه‌های متناسب با آن‌ها، تغییرات بنیادین در حوزه‌هایی عمومی از جمله حوزه‌ی آموزشی و تربیتی هر کشور ناگزیر می‌نماید. هماهنگی با چنین تغییراتی نیازمند آموزش شهروندانی است که نه تنها بتوانند با چنین مسائلی دست و پنجه نرم کنند بلکه لازم است شهروندانی تربیت شوند که فراتر از سازگاری، از این تغییرات برای بهبود کیفیت زندگی و جامعه‌ی خویش استفاده کنند. از نظر صاحب‌نظران، حوزه‌ی آموزش شهروندی مقوله‌ی بسیار پیچیده‌ای است و عوامل زمینه‌ساز و بسترهای مختلفی در شکل‌گیری آن موثر است که از آن جمله می‌توان به موقعیت جغرافیایی، بافت جمعیتی و نوع نظام سیاسی، تاریخ سیاسی، تهاجم فرهنگی و ایدئولوژی و به طور خاص مذهب و... یاد کرد. اگرچه این عوامل در چگونگی آموزش شهروندی بسیار مؤثر هستند اما وابستگی متقابل جوامع در عرصه‌ی بین‌الملل سبب نزدیکی هر چه بیشتر مسائل مطروحه در آموزش شهروندی شده‌است. به بیان دیگر شاید بتوان گفت امروزه علاوه بر تخصص در رشته‌های مختلف و آگاهی از شرایط، الزامات، ارزش‌ها و اهداف جامعه، نیاز به ارتباطات انسانی اهمیت ویژه‌ای در عرصه‌ی شهروندی یافته‌است.

در این پژوهش که با استفاده از نظرات متفکران این حوزه، آموزش شهروندی از منظر سه مؤلفه‌ی دانش شهروندی، مهارت شهروندی و نگرش شهروندی و ۲۷ شاخص در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مورد بررسی قرار گرفته‌است، به نظر می‌رسد اگر چه از اصطلاح آموزش شهروندی به طور مستقیم استفاده نشده‌است، اما محتوای سند بازتاب بسیاری از مؤلفه‌های آموزش شهروندی است. در سند مطالعه شده از میان مؤلفه‌های آموزش شهروندی، شاخص‌های مؤلفه‌ی دانش شهروندی دارای بیشترین فراوانی هستند و شاخص‌های مرتبط با مهارت شهروندی و نگرش شهروندی به ترتیب در جایگاه دوم و سوم قرار دارند. در میان تمامی ۲۷ مؤلفه برای آموزش شهروندی، بیشترین فراوانی متعلق به شاخص نقش و اهمیت خانواده است. پس از آن شاخص‌های اهمیت قوانین و مقررات، مسئولیت‌پذیری، خودآگاهی، اهمیت نقش رسانه‌ها در جامعه و علاقه به صلح و پیشرفت جهانی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. از آنجا که یکی از مبانی سیاستگذاری در کشور ما، دین مبین اسلام است، پررنگ بودن شاخص نقش و اهمیت خانواده حاکی از میزان اهمیت

این شاخص در دین اسلام است، چرا که خانواده نه تنها در اسلام کانون محبت و رحمت است بلکه خانواده یک نهاد زیربنایی و از ساختارهای اصلی جامعه‌ی اسلامی است. به عبارت دیگر اگر چه شاخص‌های مورد بررسی به یک اندازه در سند تحول بنیادین مورد توجه قرار نگرفته‌اند اما بررسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از دیدگاه مبانی نظری دین مبین اسلام، می‌تواند پاسخی به چرایی اهمیت این شاخص‌ها باشد که خود موضوع تحقیق دیگری است. با توجه به این‌که در اسلام امر تربیت همواره با اخلاق، انصاف، تقوا، عدالت و آزادی و دیگر مؤلفه‌های مورد نظر دین، همراه است، لذا به نظر می‌رسد بررسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از منظر دین مبین اسلام که کرامت ذاتی انسان را از آموز مهم جامعه می‌داند و از آنجا که اصول نظری استفاده شده در این سند، متناسب با سیاست نظام رسمی آموزش در ایران است و در این سند، مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی، دین‌شناختی و جامعه‌شناختی مبانی اساسی هستند، متناسب‌تر باشد. همچنین اگر چه رویکرد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نسبت به رابطه‌ی علم و جامعه، برگرفته از رویکرد غالبی است که تاکنون بر فضای علمی جامعه‌ی ایران سایه افکنده و آن، اعتقاد به "مدل کمبود" می‌باشد (سپیدنامه و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۱) اما بر اساس این یافته‌ها و از آنجا که دانش، مهارت و نگرش شهروندی با یکدیگر در ارتباطند به نظر می‌رسد در سند بنیادین آموزش و پرورش توجه متعادلی به مؤلفه‌های آموزش شهروندی شده‌است. بر همین اساس نتایج بیانگر حضور مؤلفه‌ها و بسیاری از شاخص‌های آنان بوده است. با این وجود توجه به این نکته ضروری می‌نماید که حضور مؤلفه‌ها در سند تحول بنیادین و اجرای آن‌ها در مواد درسی دو مقوله‌ی مجزا هستند که این نکته در چرخه‌ی سیاست‌گذاری و در مرحله‌ی ارزیابی سیاست‌ها می‌تواند زمینه‌ی پژوهش‌های آتی باشد.

از سوی دیگر در فضای علمی جامعه رویکردی غالب است که بر ارائه دانش تأکید دارد و مهارت و نگرش شهروندی را بسیار کم مورد توجه قرار می‌دهد. این مدل معتقد است جامعه به دانش و علم نیاز دارد چرا که درک مناسبی از علم در جامعه وجود ندارد و جامعه در این زمینه دچار کمبود و نقصان است. لذا فرایند آموزش باید از آموزش دهندگان به فراگیران انجام پذیرد. در این مدل تنها راه توسعه‌ی کشور، افزایش دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزشی و مدارس است. در حالیکه شیوه‌های جدیدی که برای تولید دانش مطرح شده‌اند بر "شبکه‌سازی" و تعامل بین آموزش دهندگان و فراگیران اشاره دارند (فرهادی و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۷). توجه به موارد مزبور و

اولویت‌های مطرحه نیز می‌تواند سیاستگذاران و برنامه‌ریزان را در عرصه مدیریت آموزشی کشور راهبری و هدایت نماید و امکان آینده پژوهی را در فرهنگ سیاسی کشور در تعاملات داخلی و بین‌المللی فراهم نماید.

منابع

- برخورداری، مهین (۱۳۹۰). تبیین و ارزیابی چالش‌های تربیت مدنی در نظام آموزش و پرورش ایران، تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- بل، لس. استیونسون، هوارد (۱۳۹۹). سیاست‌گذاری آموزشی. فاطمه حمیدی‌فر، سعید برومندفر، مارال مسعودی، تهران: پادینا.
- بهشتی، سعید. نیکویی، روشنک (۱۳۸۸). تحلیل و نقدی بر فلسفه‌ی تربیتی کانت با تأکید بر نظریه-ی تربیت اخلاقی وی، علوم تربیتی، ۵(۳)، ۲۷-۵۰.
- خورشیدی آبادشاپوری، حسن، توسلی‌نائینی، منوچهر، احمدی، سید محمد صادق (۱۴۰۱). جایگاه مشارکت سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۳(۴)، ۲۳۳-۲۵۲.
- جمالی تازه‌کند، محمد، طالب‌زاده نوبریان، محسن، ابولقاسمی، محمود (۱۳۹۲). تحلیل جایگاه مؤلفه‌های تربیت شهروندی در محتوای برنامه درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۲(۱۰)، ۱-۱۹.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰).
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. چاپ هشتم، تهران: انتشارات سمت.
- شاه‌طالبی، بدری. قبانچی، اکرم (۱۳۹۲). تأثیر آموزش‌های شهروندی بر افزایش آگاهی شهروندی کودکان هشت‌ساله شهر اصفهان (با تأکید بر نرم‌افزارهای چند رسانه‌ای)، فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی، سال سوم، شماره سوم: ۱۲۹-۱۵۰.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۴). فقر، محرومیت و شهروندی در ایران، رفاه اجتماعی، سال پنجم، ۴۱-۶۴.
- کشور دوست، سمانه (۱۴۰۱). پایش و ارزیابی اجرای سیاست‌های عدالت در سال اول برنامه‌ی ششم توسعه، جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی، ۳(۳)، ۶۵-۹۰.
- فتحی و اجارگاه، کورش، واحد چوکده، سکینه (۱۳۹۸). آموزش شهروندی در مدارس، چاپ دوم، تهران: آبیژ.
- فتحی و اجارگاه، کورش و واحد چوکده، سکینه (۱۳۸۵). شناسایی آسیب‌های تربیت شهروندی در برنامه درسی پنهان: نظام آموزشی متوسطه نظری از دیدگاه معلمان زن شهر تهران و ارائه راهکارهایی برای بهبود وضعیت آن، نوآوری‌های آموزشی، ۱۷، ۹۳-۱۳۲.

قلناش، عباس (۱۳۹۱). مبانی اجتماعی و سیاسی تعلیم و تربیت: بررسی تطبیقی رویکردها و دیدگاه‌های تربیت شهروندی، پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، ۲(۱)، ۶۴-۴۷.
 کیویستو، پیتر. فیست، توماس (۱۳۹۸). شهروندی (گفتمان، نظریه‌ها و دیدگاه‌های فراملی)، چاپ دوم، محسن نیازی و ولی بهرامی، تهران: گل آذین.
 نیازی، محسن. رازقی مله، هادی (۱۳۹۸). جامعه شناسی شهروندی. تهران: نقد فرهنگ.
 نقیب‌زاده، میرعبدالحسین (۱۳۹۷). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، تهران: انتشارات طهوری، چاپ سی و سوم.

Almaamari, S.N.A. (2009). "Citizenship Education in Initial Teacher Education in the sultanate of Oman: An exploratory study of the perceptions of student teachers of social studies and their tutors", PhD Thesis in curriculum studies, faculty of Education, University of Glasgow, Scotland, UK.

Homana. Gray, Barber.carolyn, Torney-Purta. Judith. (2006). Assessing School Citizenship Education Climate: Implications for the Social Studies. University of Maryland. CIRCLE WORKING PAPER 48.

Nelson, J., & Kerr, D. 2006. Active Citizenship in INCA countries: Definitions, policies, practices and outcomes. International review of curriculum and assessment framework.

OXFAM. 2004.

SEED: Scottish Executive Education Department. 2006. Education for Citizenship. HMIE.

Transforming our world: the 2030 Agenda for Sustainable Development. (2015).

Tse, K. C. 2001. "society and Citizenship Education in Transition: The Case of Macau". International Journal of Educational Research, 21 (4), 305-314.